

حاشیه سازی‌هایی قرارداداند لازم است این موضوع بررسی دقیق و همه جانبه شود. رئیس سازمان صدا وسیما در پایان خطاب به میریاقری تاکید کرده است: انتظار دارد ضمن برخورد مناسب، برنامه ریزی لازم برای پیشگیری از تکرار چنین مواردی صورت گیرد. به گزارش فارس، فصل ششم پایتخت در کنار ناپهنجاری‌هایی که به تصور کشیده بود در قسمت پایانی سکانس‌هایی را مشابه فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب بازسازی کرده بود که با واکنش‌ها و اعتراضات بسیاری همراه شد.

### دستور ویژه علی عسکری به معاونت سیما: حواشی قسمت آخر «پایتخت» بررسی شود

رئیس سازمان صداوسیما به معاونت سیما دستور ویژه‌ای برای بررسی حواشی قسمت آخرپایتخت ۶ داده و گفته است باید مشخص شود این اقدام حاصل اشتباه و بی توجهی است یا فتنه انگیزی «استون پنجم فرهنگی دشمن»؟! به گزارش خبرنگار رادیو و تلویزیون خبرگزاری فارس، رئیس سازمان صدا وسیما در دستوری ویژه به سید مرتضی میریاقری با اشاره به حواشی قسمت آخر مجموعه پایتخت ۶ تاکید کرده لازم است بررسی شود که این اقدام حاصل اشتباه، بی توجهی و وادادگی است یا نتیجه

### نقد و بررسی سریال دوپینگ در گفت و گو با عوامل آن

# قرص‌های جادویی

سریال دوپینگ در سکوت خبری و به قول معروف چراغ خاموش تولید شد، اما وقتی رسانه‌ای‌ها سر از کار عوامل این سریال درآوردند و متوجه حضور هنرمندانی همچون هادی حجازی فر، محمد بحرانی، شبنم مقدمی و ... شدند، بسیار برایشان غافلگیرکننده بود، زیرا حجازی فر در سینما بازی می‌کرد و یکی از آثار او با نام ایستاده در غبار در قالب مینی مجموعه هم روانه تلویزیون شد، اما در اصل این اثر هم سینمایی بود و در تلویزیون بازی نکرده بود. همچنین محمد بحرانی که همه به عنوان صداییشه بیعی و جناب خان می‌شناختند و در میان مردم با کارهای عروسکی اش شهره‌هست، یک دفعه در قد و قامت یک بازیگر در سریال نوروزی ظاهر شد. همه این موارد برای رسانه‌ای‌ها

گروه رسانه

از فضای متفاوت دوپینگ شروع کنیم، به نظر می‌آید که این تفاوت فقط در بخش فانتزی داستان نیست و ساختار کار را هم درگیر کرده؟ درست است؟

همانطور که گفتید تفاوت آشکار دوپینگ با بقیه سریال‌ها در فضای فانتزی است که دارد اما این تمایز در بخش‌های دیگر از جمله نوع موقعیت‌های کمدی، شخصیت سازی‌ها، بخش فنی، دکوپاژ و... هم به چشم می‌خورد به همین دلیل همه این‌ها کنار هم قرار می‌گیرند چرا که ساختار این مجموعه در واقع یک سینمایی تلویزیونی است و نوع پلان بندی‌ها و تدوین آن هم با بقیه سریال‌هایی که پخش می‌شود متفاوت است.

انتخاب این محتوا و قالب در تلویزیون شاید یک ریسک محسوب می‌شد، فکر می‌کنید چقدر در آن موفق بودید؟

از اول هم مجموعه عوامل تلاششان این بود تا این تمایز را در جنبه‌های مختلف لحاظ کنند و این اتفاق از همان روز اول هم در سریال مشهود بود با این حال این نگرانی وجود داشت که ممکن است بیننده با آن ارتباط برقرار نکند اما من شخصا حس می‌کردم که بیننده تلویزیون دیگر بیننده ۱۵ سال پیش نیست، سریال‌های مختلف ایرانی و خارجی را می‌بیند و به تدوین و پلان بندی‌های مختلف عادت دارد، به همین خاطر این کار هم می‌تواند بیننده خودش را جذب کند. همچنین طبق برابوردی که تلویزیون کرده دوپینگ دومین مجموعه نوروزی شده و در این بین خیلی‌ها هستند که به کار علاقه مند شدند و فضای فانتزی و شوخی‌های آن را هم دوست دارند، البته کسانی هم هستند که نقدهای منفی نیز به آن وارد کردند.

علاوه بر هادی حجازی فر و نقش سب‌تازه او، ما نیما شعبان نژادی را می‌بینیم که خیلی شبیه همان نیمای خندوانه است، چرا به سمت این تکرار رفتید؟ بعد از انتخاب هادی حجازی فر برای نقش پدر کیوان، ما دنبال بازیگر جوانی بودیم که در این قالب پدر و پسر ی جا بگیرد، انتخابی که خیلی سخت بود و در نهایت به نیما رسیدیم. او در فضای تصویر خیلی کار نکرده و هر جا هم که حضور داشته، اصولا خودش بوده یعنی نیما شعبان نژاد همین است که هست. در این بین او گاهی سعی می‌کرد که شکل دیگری شود اما باز به همان نقطه برمی گشت. با این حال همین شخصیت هم به نظر من بد نیست و کاراکتر بازه‌ای شده که مردم با آن ارتباط بر قرار کرده اند و دوستش دارند.

پس این خود بودن او باعث شده تا ما باز همان نیما را ببینیم؟

بله، البته ما فرصت این که او بخواهد با وجود فشار کاری که وجود داشت تلاش کند و در شیوه بازی‌ش تغییر ایجاد کند را نداشتیم. به همین دلیل ترجیح داد که خودش باشد تا ما هم بتوانیم کار را با سرعت پیش ببریم.

شما از ساختار سینمایی گفتید که در این سریال لحاظ کردید، اصلا با چه نگاهی به سراغ این شیوه رفتید؟ ابتدا که فیلمنامه نوشته شد، پایه و طرح اولیه آن سینمایی بود، به همین دلیل دوپینگ ریتم سینمایی دارد، چیدمان سکانس‌ها هم به همین ترتیب اغلب دارای جامپ کات و با پرش همراه است و شما خیلی کم سکانس‌های طولانی را در آن می‌بینید. در واقع سکانس‌های موازی با فاصله‌های کوتاه ریتم کار را تند کرده، این ریتم تند باعث شده که هیجان کار بالا برود و سرعت بالایی داشته باشد، قالبی که اغلب در سینما شاهد آن هستیم.

وجود این ریتم و سرعت در یک سریال تلویزیونی لازم است؟ چون گاهی می‌بینیم که همه چیز خیلی سریع پیش می‌رود و با ندیدن بخشی از ماجرا، قصه از دست می‌رود.

بله آن فضا به شکل صرف اقتضای سینماست و البته تلویزیون سرعت کمتری را می‌طلبد؛ من هم متوجه آن هستم اما به هرحال این هم شکلی از کار است و از انجام آن خوشحال هستم چرا که فکر می‌کنند اگر بیننده با این وضعیت کنار آمده، به این دلیل است که دوستش داشته. با همه این‌ها سریال سازی در دنیا به این سمت در حال حرکت است که ساختار سینمایی را وارد کار کند و ما هم سعی کردیم که این اتفاق را رقم بزنیم. این آزمایش هم تا حدی جواب داده و در ساخته‌های بعدی احتمال می‌دهم که بتوانیم دقیق تر این کار را انجام دهیم تا اشتباهاتمان را هم اصلاح کنیم.

شوخی‌ها و طنز ماجرا هم یکی از بخش‌های اصلی این سریال است که البته گاهی

می‌بینیم یک دستی اولش را ندارد و یا به گفته بعضی منتقدان لب مرز است و به سمت لوث شدن می‌رود، به هرحال نظرات مختلفی در این باره وجود دارد، شما چطور فکر می‌کنید؟

این موضوع به سلیقه مخاطب هم برمی گردد، مثلا یکی ممکن است بگوید چه شوخی نو جذابی و دیگری آن را بی مزه بداند. علاوه بر این زمانی که کار را جلو بردیم حس کردیم ممکن است به عید نرسد به همین خاطر از آقای بروز نیک نژاد خواهش کردیم که بخشی از کار را به طور موازی کارگردانی کند و نزدیک به ۳۰ درصد را هم او پیش برد. در این بین طبیعی است که مجموعه از یکدستی خارج شود و دو جور سلیقه در بخش‌هایی از آن به چشم بخورد اما میزانش آن قدر نیست که ما را به لکنت وادارد و بیننده را اذیت کند. با همه این‌ها طبق نظرسنجی‌هایی که دیده ام، مردم خیلی‌های شوخی‌ها را پسندیده و فهمیده بودند و درصدی هم نظر دیگری داشتند.

با توجه به این که تولید سریال‌های نوروزی فشرده‌گی و استرس بالایی دارد، این تجربه برای شما چطور بود؟ بزرگترین مشکل ما همین بود که باید سریال را خیلی زود آماده می‌کردیم و از سوی دیگر به کرونا برخوردیم و باعث شد تا ما یک ماه از کار را در چند جلسه خلاصه کنیم و اگر پخش نداشتیم ممکن بود آن را نگه داریم و بعد ادامه دهیم. با همه این‌ها بخش تلویزیونی اتفاقاتی را به ما تحمیل می‌کند که انعکاس آن در کار هم مشخص است و بیننده هم متوجهش می‌شود. با همه این‌ها دوپینگ برای من تجربه خوبی بود.

شب‌های تعطیلات نوروزی حوالی ساعت نه شب اگر تلویزیونتان روشن بود و شبکه سه را مشاهده می‌کردید. آخر سریال طنز دوپینگ ترانه ای پخش می‌شد که حال خیلی‌ها را خوب می‌کرد. ترانه‌ای به روز ساده و صمیمی که همان مصرع بند اول یقه ات را می‌گرفت و خنده ای ملیح پخش میکرد توی صورت؛ عجب عیدی بشه این دهه / دستامون تا آرنج تو کفه .... وقتی تو باغچه و گل کاشتی / ولی الان خونه‌ای با ژل بهداشتی ... ترانه کوئنده شروع می‌شود. صدای گرم و جنوبی و با قدرت محمد بهرانی و تنظیم پوریا حیدری دست به دست هم داده‌اند تا تو از تیتراژ سرسری عبور نکنی و بگذاری اسم عوامل بیاید و برود و تو دل بسپاری به نت‌ها و صداها ... ترانه با خوانشی شبیه به موسیقی رپ شروع می‌شود اما لحن بحرانی جوری تورا جلو می‌برد که با محتوای رپ که به نوعی موسیقی اعتراض معروف است را بازخوانی کرده است. هرچند همین لحن طنز این ترانه هم به نوعی اعتراض خوش نمکی به اوضاع کرونایی دارد و آدم دلش می‌خواهد به روزهای خوب گذشته برگردد. به روزهای رونق و شادی و باهم بودن ... دقیقا مغزت در حال مرمر نوروزهای گذشته است که مصرعی از ترانه یک پاس گل شاهکار میدهد و تو را پرت می‌کند به همان روزها؛ کوئید نوزده داده به بادم / آی نسیم میرسی به دادم؟

اینجآن اوج دوست داشتنی ترانه نوروزی سالهای دهه هفتاد با صدای همایون فرخ‌حال میخورد تنگ همان ریتم و تو میشنوی: آآآآ نسیم سحری صبر کن / مارا باخود ببر از کوچه‌ها ... این یعنی پیدا کردن یک نقاشی زیبای فراموش شده که قبلا توی خانه زیرپله‌ای ات روی دیوار بوده و حالا سر کرده‌ای و بزرگ شده‌ای و خانه جدید خریدی ... حالا قاب را نگه داشتی پیدایش کرده‌ای ... خانه خریدی توی اثاث کشی پیدایش کرده‌ای و توی خانه جدید یک قاب قشنگ و تازه برایش ساخته‌ای و گذاشتی اش درست وسط پذیرایی که هم خاطراتی را زبیا تر کند و هم به یادآوری که کجا بودی و چه راهی را طی کرده‌ای ... خدا رحمت کند هرکسی را که دل مردمش را شاد می‌کند و لبخندی ولو کم‌رنگ روی لبهایشان مینشانند.

اولین روز که دورخوانی سریال دوپینگ را داشتیم، متوجه شدیم که هر سه خیلی خوب با هم هماهنگ هستیم و خیلی زود با هم عجین شدیم. خوشبختانه نقش گل خانوم دیده شده و هر کس به من می‌رسد دربارها همه رابطه خوب مادر بزرگ، پسر و نوه حرف می‌زند و همه متفق‌القول به این موضوع اشاره می‌کردند که رابطه آنها به دلشان چسبیده است. ضمن این‌که این بخش از کار برای مخاطبان هم مفید و آموزنده بود، زیرا رفتار درست را الگوسازی می‌کرد. ما در این سریال می‌بینیم که پسر و نوه گل خانوم تا چه میزان به او احترام می‌گذارند.

زمانی که شما این سریال را بازی می‌کردید با شیوه کرونا هم برخورد کردید. برایتان سخت نبود که با این شرایط کار کنید؟

ما یک ماه با خیال راحت کار کردیم، اما بعد درگیر کرونا شدیم و خیلی با احتیاط کار می‌کردیم و با فاصله. اگر لوکیشن بزرگ بود، طبیعی است که فاصله یک متر و نیم را رعایت می‌کردیم و اگر هم لوکیشن کوچک بود که دیگر نمی‌شد کاری کرد و خودمان را به خدا سپردیم.

به خاطر این موضوع دچار اضطراب نشدید؟

اضطراب داشتیم، اما از آنجا که با تمهید تهیه‌کننده، دست اندکاران فضای کار را مرتب تمیز می‌کردند البته دخترم و نوه ام مرتب به من غر می‌زدند که ای کاش بازی در سریال دوپینگ را قبول نمی‌کردم که در شرایط کرونا مجبور به کار کردن شوم.

چرا برای بازیگران میانسال نقش‌های خوب نوشته نمی‌شود؟

متأسفانه نقش‌های خوب نوشته نمی‌شود. این در حالی است که باید بزرگترها در آثار نمایشی نقش مهمی داشته باشند تا برای خانواده‌ها الگوسازی مناسب داشته باشیم.



یکی از دغدغه‌های مهم اغلب بازیگران پیشکسوت فقدان نقش‌های خوب و تاثیرگذار برای پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در فیلم‌ها و سریال‌هاست. اما در سریال «دوپینگ» شاهد یک مادر بزرگ مهربان هستیم و مخاطب بالاخره چهره مادر بزرگ را در یک اثر نمایشی می‌بیند و این اتفاق خوبی محسوب می‌شود، با مینا جعفرزاده درباره نقشش کپ و گفت صمیمانه‌ای داشتیم.

شما چند سالی بوده که ایام عید کار نمی‌کردید. نقش گل خانم، مادر بزرگ چه ویژگی‌هایی داشت که شما را برای پذیرش این نقش جذب کرد؟

قبل از پذیرش هر کار، به کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگران و قصه توجه می‌کنم. از آنجایی که یک کار از آقای مقصودی کارگردان دیده بودم به نام خجالت نکش که خیلی هم دوست داشتم، علاقه مند شدم که با او کار کنم. آقای پروین حسینی تهیه‌کننده را نمی‌شناختم، ولی به دلیل مجموعه دوپینگ با شخصیت او آشنا شدم و بسیار مسؤول هست. خوشحالم که با یک قصه جدید فانتزی مهمان نوروزی مردم بودیم. همانطور که خودتان تاکید کردید، چند سالی بود که برای عید کار نکرده بودم و هر کسی در خیابان من را می‌دید می‌گفت که خانم جعفرزاده چرا برای عید و رمضان بازی نمی‌کنید. خوشبختانه با یک کار خوب مهمان نوروزی مردم شدم.

ما در این سریال چالش سه نسل یعنی مادر بزرگ (مینا جعفرزاده)، پسر (هادی حجازی فر) و نوه (نیما شعبان نژاد) را می‌بینیم. این موضوع برایتان تا چه میزان اهمیت داشت؟

اولین روز که دورخوانی سریال دوپینگ را داشتیم، متوجه شدیم که هر سه خیلی خوب با هم هماهنگ هستیم و خیلی زود با هم عجین شدیم. خوشبختانه نقش گل خانوم دیده شده و هر کس به من می‌رسد دربارها همه رابطه خوب مادر بزرگ، پسر و نوه حرف می‌زند و همه متفق‌القول به این موضوع اشاره می‌کردند که رابطه آنها به دلشان چسبیده است. ضمن این‌که این بخش از کار برای مخاطبان هم مفید و آموزنده بود، زیرا رفتار درست را الگوسازی می‌کرد. ما در این سریال می‌بینیم که پسر و نوه گل خانوم تا چه میزان به او احترام می‌گذارند.

زمانی که شما این سریال را بازی می‌کردید با شیوه کرونا هم برخورد کردید. برایتان سخت نبود که با این شرایط کار کنید؟

ما یک ماه با خیال راحت کار کردیم، اما بعد درگیر کرونا شدیم و خیلی با احتیاط کار می‌کردیم و با فاصله. اگر لوکیشن بزرگ بود، طبیعی است که فاصله یک متر و نیم را رعایت می‌کردیم و اگر هم لوکیشن کوچک بود که دیگر نمی‌شد کاری کرد و خودمان را به خدا سپردیم.

به خاطر این موضوع دچار اضطراب نشدید؟

اضطراب داشتیم، اما از آنجا که با تمهید تهیه‌کننده، دست اندکاران فضای کار را مرتب تمیز می‌کردند البته دخترم و نوه ام مرتب به من غر می‌زدند که ای کاش بازی در سریال دوپینگ را قبول نمی‌کردم که در شرایط کرونا مجبور به کار کردن شوم.

چرا برای بازیگران میانسال نقش‌های خوب نوشته نمی‌شود؟

متأسفانه نقش‌های خوب نوشته نمی‌شود. این در حالی است که باید بزرگترها در آثار نمایشی نقش مهمی داشته باشند تا برای خانواده‌ها الگوسازی مناسب داشته باشیم.

### قصه فانتزی، آری یا نه؟!

مهمترین نقطه قوت سریال را فضای فانتزی سریال می‌توان دانست که علی‌رغم این‌که نقاط ضعفی هم در داستان و شخصیت پردازی وجود داشت. اما سال‌ها بود که در تلویزیون سریال فانتزی ساخته نشده بود. گرچه برخی از منتقدان هم معتقدند که در برخی صحنه‌ها فانتزی و کمدی بودن کار به تکرار می‌افتاد. با این حال می‌توان گفت برای مخاطبانی که به این گونه از سریال سازی علاقه مند هستند، «دوپینگ» اتفاق خوبی محسوب می‌شد.

جبار آذین، منتقد و مدرس: «دوپینگ» مجموعه ای فانتزی و بر اساس یک داستانک تخیلی ساخته و پخش شد. بیش از هر چیز این مجموعه با هدف سرگرم سازی مخاطب و راضی نگه داشتن مردم در شرایط کرونا ساخته شده بود. متأسفانه به رغم تبحر مقصودی در نگارش فیلمنامه و تجربه چند کار سینمایی و تلویزیونی در مقام کارگردان اما این مجموعه نتوانست به هدف اصلی خود که ارائه یک سریال خوش ساخت و راضی کننده باشد، دست پیدا کند. مهم‌ترین اشکال این مجموعه نداشتن فیلمنامه منسجم، دراماتیک و هدفمند بود که موضوع‌های پرانگده و آشفته آن نتوانسته بودند در قالب داستانک‌های مرتبط با هم فیلمنامه را شکل دهند. موضوع اصلی سریال که می‌توانست از آن یک فانتزی جذاب و طنز تلویزیونی بسازد، معجونی بود که سبب شد



دو شخصیت دختر و پسر صاحب قدرت‌هایی شوند که این قدرت‌ها آنها را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی به گونه ای دیگر نشان می‌داد. همین موضوع خوب هم نتوانسته بود به درستی تبدیل شود. چرا که این دو شخصیت می‌توانستند از قدرت‌های خود در مسیر کارهای خوب اجتماعی بهره بگیرند که این اتفاق نیفتاد.

سعید جلالی، فیلمنامه نویس طنز: واقعیت امر این است که فکر می‌کنم ضعف اصلی سریال دوپینگ در فیلمنامه و قصه است. به خاطر این‌که قصه جذاب نیست و ضمن این‌که کوتاه است، یعنی این قصه کوتاه و کم‌رنگ در حد و اندازه یک سریال ۲۵ قسمتی نبود که تولید و پخش شود. یعنی داستان آنقدر کشش لازم را برای مخاطبان نداشت و نمی‌تواند بیننده را تا ۲۵ قسمت بکشد. زیرا اگر چند قسمت از سریال هم نبیند، بعد از آن متوجه می‌شود که چیزی از دست نداده است. بنابراین مخاطب هر زمان فرصت داشته باشد، می‌تواند سریال را ببیند و این موضوع نشان می‌دهد که خط قصه قدرتمند نیست. این در حالی است که تیم سازنده بسیار هم توانمند هستند. حضور بازیگران حرفه ای در سریال، تیم کارگردانی اسم از رضا مقصودی و بروز نیک نژاد و ... توقع مخاطبان را بالا می‌برد و شما به عنوان بیننده انتظار دارید که قصه سرو و شکل درستی ببینید. این‌که کارمان قصه را با خوردن قرص زورش زیاد شود با شیوا قدرت هیپنوتیزم دارد، بعد از چند قسمت به تکرار می‌رسد.

سعید نقدزاده، کارگردان: من فکر می‌کنم به نسبت سریال‌های دیگر که در ایام نوروز پخش شد، «دوپینگ» کار خوبی بود. البته نقاط ضعفی هم در فیلمنامه داشت و آن هم فضای تخیلی کار بود.

### چالش بازیگران ۳ نسل

یکی از نکات مثبت سریال «دوپینگ» حضور بازیگران شاخص و سرشناسی بود که همگی بازیگران طنزای هستند و در این زمینه تجربیات خوبی دارند. ضمن این‌که حضور سه نسل از بازیگران را در این سریال شاهد بودیم. از نیما شعبان نژاد و الناز حبیبی که جزو نسل جوان بازیگران سریال بودند گرفته تا هادی حجازی فر و محمد بحرانی و مینا جعفرزاده.

سعید جلالی، فیلمنامه نویس: با این‌که سریال دوپینگ از بازیگران توانمند استفاده کرده بود، اما بازی‌ها در حد متوسط بودند. البته بیشتر از این هم نمی‌شود توقع داشت، زیرا بازیگران درجه یک در یک فیلمنامه درجه یک هم بازی‌های عالی خواهند داشت و یک فیلمنامه متوسط نمی‌تواند دامنه بازیگری را برای بازیگر وسیع کند. برخی شخصیت‌های خاص در برخی قسمت‌ها با نمک بودند و بعضی دیگر نه. اما در مجموع دوپینگ کار ماندگاری در تلویزیون مان نیست و بعد از تمام شدنش خیلی به یاد مخاطب نمی‌ماند.

سعید نقدزاده، کارگردان: ما در طول این سریال بازی‌های خوبی را از بازیگران شاهد بودیم. از جمله هادی حجازی فر و یا شبنم مقدمی. در کل بازیگران خوبی در این سریال حضور داشتند. جبار آذین، منتقد: به رغم حضور بازیگران شاخص و شناخته شده که برای آیفای نقش‌ها گزینش شده بودند، اما به علت ضعف در شخصیت پردازی و هدایت ضعیف کارگردان هیچ کدام نتوانستند در حد قابلیت‌های خود بازی‌های مناسب و چشمگیر ارائه کنند. «دوپینگ» افزون بر اشکال‌های ساختاری از گزینش خوب بازیگران بهره گرفته بود که نتوانسته بود برخی از ضعف‌های خود را پوشش بدهد.



### کارگردان، سکاندار سریال

به دلیل فاصله زمانی کوتاهی که بین تولید و پخش این سریال وجود داشت و در ایام نوروز هم شاهد پخش آن بودیم، رضا مقصودی برای کارگردانی بخش‌هایی از سریال دوپینگ از بروز نیک نژاد برای ادامه کار کمک گرفت و سریال با دو کارگردان پیش رفت. البته هر دو کارگردان در حوزه طنز آثار قابل قبول داشتند و در این سریال هم کارگردانی هر دو مورد قضاوت قرار گرفته است.

سعید نقدزاده، کارگردان: به لحاظ کارگردانی به عقیده من این سریال از «پایتخت» بهتر بود. اما تخیلی بودن پیش از حد داستان باعث شد که کارگردان نتواند آن را در اجرا خوب در بیاورد. به این معنی که مرز بین تخیل و واقعیت را باید کارگردان به خوبی اجرا می‌کرد که در این زمینه ضعف داشت. اما در کل به نظرم سریال خوبی بود و دیده شد.

سعید جلالی، فیلمنامه نویس: از آنجایی که سریال دوپینگ به لحاظ سوزه چیز عجیب و غریبی ندارد، به همین دلیل نیاز به کارگردانی خاص هم نیست و ضرورت نداشت که کارگردانان هم کارهای خارق‌العاده انجام بدهند. همانطور که بازی بازیگران ساده و متوسط هست، ما این بخش را در کارگردانی هم می‌بینیم که متوسط هست. این در حالی است که دو کارگردان کار به کارشان مسلط هستند و به قول معروف کار بلد. اما ما به لحاظ میزانسن چیز عجیب و غریبی نمی‌بینیم و میزانسن‌ها هم پیچیده نیستند. اما در مجموع به همه دوستان خسته نباشید می‌گویم که با وجود شرایط سخت کرونا کار کردند و به این لحاظ دست‌میزاد دارند.

جبار آذین، منتقد: یکی از نکات مثبت کار موضوعی بود که در تلویزیون کمتر به آن پرداخته شده بود. اما با کارگردانی ضعیف و نگرفتن بازی‌های مطلوب از بازیگران نتوانست به مجموعه موفق و به اثری ماندگار در کارنامه سازندگان تبدیل شود.